

تلخیص: حمید خسروی - موعود منصورى - فؤاد دواچى: « کیم وو چونگ » رئیس هیئت مدیره و مؤسس تشکیلات « دیوو » در ۱۹ دسامبر ۱۹۳۶ در شهر « تا اگو » کره به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۶۰ موفق به اخذ دانشنامه اقتصاد از دانشگاه « یا نسی » کره گردید. پس از یک سال خدمت در شورای توسعه اقتصادی کره که یک ارگان دولتی است کار تجاری خود را در شرکت صنایع « هان سانگ » آغاز نمود و تا قبل از سال ۱۹۶۷ که خود « شرکت صنایع دیوو » را تأسیس کرد در این شرکت تا مقام مدیریت ارتقاء پیدا کرد. در حال حاضر شرکت « دیوو » از طریق بیش از ۷۰ شعبه و نمایندگی رشته های مختلف صنعتی از قبیل احداث ساختمان، کشتی سازی، تولید وسایل نقلیه، ماشین آلات سنگین و سبک، آرم ماشین، دستگاه های مخابراتی، محصولات الکترونیکی، وسایل خانه، منسوجات در داخل و خارج از کشور فعالیت داشته و با نقاط مختلف جهان مناسبت تجاری برقرار نموده است. شرکت « دیوو » با بیش از ۹۱،۰۰۰ پرسنل دائم و فروش ۲۲ بیلیون دلار طی سال ۱۹۹۰، طبق گزارش روزنامه فورچون، مقام چهل و پنجمین شرکت صنعتی بزرگ جهان را به خود اختصاص داده است.

آقای کیم در سال ۱۹۷۸ ضمن اهداء کلیه دارایی خود « بنیاد دیوو » را تأسیس نمود. این بنیاد غیر انتفاعی بوده و تا به حال ۵ بیمارستان عمومی روستایی در کره تأسیس و اداره نموده است. ضمناً آقای کیم تا کنون جوایز بیشماری دریافت نموده و از طرف تعدادی از دانشگاههای معروف، دکترای افتخاری به ایشان اعطاء گردیده است. کتاب " سنگفرش هر خیابان از طلاست " از تاریخ انتشار یعنی اوت ۱۹۸۹ تا دسامبر ۱۹۹۱ جمعاً ۱/۲۵۰/۰۰۰ نسخه فروش داشته است. تاریخ از آن کسانی است که آمال و هدف دارند :

در میان همه چیزهایی که جوانی به همراه دارد مهمترین آن ها آرزوهاست. مردانی که آرزو و هدف دارند فقر نمی شناسند، زیرا شخص به اندازه هدفهایش ثروتمند است. جوانی دورانی از زندگیست که حتی اگر شخص هیچ چیز نداشته باشد ولی هدف داشته باشد نیازی به رشک و غبطه خوردن ندارد. آرزوها، اهداف، آمال و امیدها قدرتهایی هستند که با آنها می توان جهان را متحول ساخت. مردمی که هدف دارند، جوامعی که دارای هدف هستند، ملت هایی که برنامه دارند سرانجام اهدافشان به واقعیت منتهی می شود. کشوری که برای رسیدن به اهدافش همه مردم را به مشارکت بگیرد قهرمان تاریخ خواهد شد. اطمینان دارم تمام کسانی که امروزه سرنوشت جهان را شکل می دهند کسانی هستند که دیروز در دوران جوانی برای زندگی شان هدف داشته اند.

آرزو اشخاص را می سازد و شخصیت او را کنترل می کند. آرزو مانند سکان کشتی جهت حرکت را مشخص می سازد. سکان یک کشتی نسبت به خود آن ممکن است خیلی کوچک باشد و دیده نشود، اما مسیر حرکت یک کشتی عظیم را کنترل می کند.

شخصی که از اهداف و آرزوهایش از محدوده آسایش و رفاه شخصی فراتر نمی رود بسیار دردناک تر و تأثرانگیزتر از فردی است که اصلاً هدف و آرزویی ندارد. او از ارزش و اهمیت جوانی آگاهی ندارد. اگر شما هدف دارید که ابدوارم داشته باشید، با تمام قدرت آن را پرورش بدهید زیرا امید و آرزوی شما تعیین کننده مسیر زندگی شماست.

جوان بی هدف جوان نیست. آرزو برای جوانان بسیار با اهمیت و ضروری است. تاریخ متعلق به کسانی است که در زندگی

امیدهای بزرگ دارند.

شما به فلسفه زندگی زندگی نیاز دارید :

واقعاً خطری بالاتر از این در جهان وجود ندارد که ما به جای صفت پسندیده خوش بینی، بدبینی یعنی متضاد آن را انتخاب کنیم. تصور می کنم تا اندازه ای بتوان تجارت را یک جنگ خونین پنداشت. هر اندازه یک امر تجاری بزرگتر باشد، دامنه جنگ وسیعتر بوده و باید بهای بیشتری در ازای آن پرداخت. در این فرآیند اگر تاجر مایوس و دچار بدبینی شود لحظه پایان رشد و پیشرفت او فرا رسیده است.

مهارت و دانش مدیریت لازمه هر فعالیت اقتصادی جدید است کسانی که دلشوره پیدا کنند که « ممکن است به نتیجه نرسیم » یا « اگر موفق نشویم چه خاکی بر سرمان بریزیم » صلاحیت ندارند که یک تاجر واقعی همان را به صورت جرقه ای می بیند که می تواند آتشی را بیافروزد. دنیای تجارت آنگونه نیست که اگر یک را با یک جمع کنی دو به دست بیاوری ، ممکن است در جایی یک تبدیل به ده شود یا ده تبدیل به پنجاه گردد.

نیاز اسی برای تبدیل « ممکن ها » به واقعیت ها چیزی است که باید همگام با آن ایجاد شود و آن فداکاری و از خودگذشتگی است. ظاهر و باطن شما باید با هم همساز باشند، هدفهایتان باید به بلندای قامتتان و صبر و بردباریتان به وسعت تمام وجودتان باشد. برای اینکه درون و بیرونتان یکسان، پرشکوه و متعالی شود باید برای خود فلسفه زندگی داشته باشید، اغلب مردم وقتی کلمه ی « فلسفه » به گوششان می خورد فکر می کنند فلسفه چیزی خارج از دسترس و بسیار مشکل و پیچیده است. این مهم نیست که شما چکاره هستید، فقط خود را در مسیر اصلی زندگی قرار دهید، و به خاطر منافع جامعه در آن غوطه ور شوید. همین کافی است.

جوانی همان آمال و آرزوهاست. جوانی مرحله تحقق پذیری ممکن هاست، ادا قبل از آنکه تحت جاذبیت ممکن ها قرار بگیرد وجود یک بینش فلسفی برای روند حرکت زندگیتان بسیار ضروری و با اهمیت است. امروزه یک روند فکری آشفته ای در افراد به وجود آمده که فقط طالب سودها و درآمدهای سهل الوصول هستند. شاید به خاطر همین است که مردم با به دست آوردهای اندک، قانع و خشنود می شوند. همواره به دنبال آسایش کوتاه مدت و زودگذر هستند. به جای اینکه جسارت و شهامت مبارزه با مشکلات را در خود پرورش داده تا در دراز مدت و در سطوح بالاتر کسب موفقیت نمایند و مسیری را انتخاب کنند که دربردارنده فلسفه زندگی باشد، به کارهایی قانع می شوند که فقط منافع کوتاه مدت را تأمین می کند.

برخلاف این نظر امروز انگیزه اصلی کارکنان برای اشتغال در شرکت دیوو امنیت شغلی این شرکت است، جاذبه شغلی که بعضی از شرکتها در افراد به وجود می آورند از مزایای بیشتری که سایرین می دهند بیشتر است.

تاریخ از آن کسانی است که آمال و هدف دارند

شما به فلسفه زندگی نیاز دارید

تصمیم گیری

وقتی یک کار تجاری می خواهد انجام بشود شما با تصمیم گیری های مختلفی روبرو می شوید . بعضی اوقات این تصمیمات خیلی ساده هستند، و بعضی اوقات هم یک تصمیم می تواند تمام آینده شرکت را تحت الشعاع قرار بدهد.

مهم نیست که موضوع چه باشد، این وظایف مدیران سطح بالای اجرایی است که تصمیم نهایی را بگیرند. طی سالیان دراز، من با همکاران بیشماری کار کرده ام، ولی تنهاترین لحظات زندگی، زمانیست که می خواهم تصمیم گیری کنم، البته دوستان و همکاران و حتی کارکنان عادی همیشه کمک ها و انواع اطلاعات لازم را در اختیارم قرار داده اند. اما به دلیل داشتن مسئولیت اصلی، آنها نمی توانند تصمیم نهایی را برای من بگیرند. همچنانکه من نمی توانم دیگران را مسئول تصمیمات خود بدانم.

تصمیم گیری تنها در مسائل تجاری حائز اهمیت نیست، بلکه در تمام مراحل زندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زندگی هم شامل یکسری تصمیمات می شود. یک تصمیم غلط می تواند زندگی انسان را به نابودی بکشاند. گاهی اوقات من فکر می کنم ما برای این زنده ایم که قادر باشیم در فرصت مناسب یکسری تصمیم صحیح بگیریم که نهایتاً به موفقیت منجر شود. برای موفق شدن، شما تا حد ممکن باید از انتخابهای قابل دسترس مختلف و متنوع برخوردار باشید. هر چه انتخاب محدودتر باشد به همان اندازه فرصت تصمیم گیری نیز محدودتر می گردد. قدم بعدی این است که قدرت درونی خود را تقویت و عزم خود را جزم کنید تا بتوانید یک تصمیم صحیح اتخاذ کنید. در اثر مطالعه باید قدرت تصمیم گیری خود را تقویت کنید، و این دلیل اصلی تحصیل علم است. تصمیم گیری بین غلط و صحیح، سره از ناسره، حق از باطل، خوب از بد، مفید از مضر و توانایی هایی که بتوان چنین تصمیماتی را به نحو مطلوب اتخاذ کرد فقط از طریق تحصیل علم امکان پذیر است. شما ممکن است فرصتهای مختلفی را بدست آورید، اما یک تصمیم غلط می تواند همه این فرصت ها را نابود کند. هیچکس نمی تواند برای شما تصمیم بگیرد، این خود شما هستید که باید برای خودتان تصمیم بگیرید.

من امیدوارم شما همیشه عده زیادی راهنما و مشاور داشته باشید تا بتوانند در جریان تصمیم گیری ها به شما کمک کنند. شما برای یافتن مشاورین خود نیاز ندارید که راه دوری بروید. راهنماها و مشاورین شما باید همان کسانی باشند که شریک زندگی شما هستند. آنها بیکه به شما عشق می ورزند و نگران سرنوشت شما هستند. پدر و مادر شما، معلمین، اقوام، دوستان، همکلاسان سالهای بالاتر، اینها همه می توانند مشاورین شما باشند. اگر شما دلتان را برای آنها بیکه از همه به شما نزدیکترند باز کنید و با آنها حرف بزنید شما به آنچه برای یک تصمیم گیری صحیح نیازمند هستید خواهید رسید.

گامی فراتر از عارضه انجام کار در حد رفع تکلیف

مهم نیست که من چه کاری را انجام می دهم، هر چه باشد دوست دارم آنها به نحو احسن و تا انتها انجام دهم. این کلید رمز موفقیت است. من سعی کرده ام که این اصل را به پرسنل خودمان القا و تفهیم کنم که نه فقط برای تولید کالا بلکه تا انتهای کار دقت، ممارست و پیگیری کنند. این روش در « شرکت دیوو » بصورت یک سنت و فرهنگ گرانبها متجلی شده است.

بنابراین من از جوانان امروز انتظار دارم که همیشه خلاقیت نشان دهند، نه اینکه دنباله رو سیل جمعیت شده و مطالعاتشان را در حد « رفع نیاز » متوقف کنند.

راه صحیحی برای خود انتخاب کنید، تواناییهای خود را بیابید، استعدادهای پنهان خود را کشف کنید، و همه آنها را

تقدیم سازندگی جامعه تان کنید. فقط در سایه سختیها و مشقات و تلاشهای امروز ماست که فردایی نورانی پیش رو خواهیم داشت. اگر شما تحصیل می کنید یا به هر نحو زندگی می کنید. سعی و تلاش خود را در حد رفع نیاز متوقف نکنید.

جادوگران

هر انسان دارای تواناییهای نامحدودیست، تنها اختلافی که بین یک فرد معمولی و یک جادوگر وجود دارد، این است که فرد جادوگر قدرتهای پنهان خود را با تمرین و مشقت فراوان به کار گرفته و در کارهای خارق العاده ای که انجام می دهد متبحر شده است. برای هر معلولی علتی وجود دارد، و هر تلاشی را نتیجه ای است. فضایل و هنر ها اتفاقی به دست نمی آیند، آنها تکامل تدریجی یک عمل معین هستند.

ما در زمان تقسیم شدن علوم تخصصی زندگی می کنیم، در زمانی هستیم که امور روزمره در حال تغییر و تحول مستمر هستند، شرایط شرایط زندگی روز به روز پیچیده تر و متنوع تر شده ، و در سطوح مختلف نیاز بیشتری به افراد کارشناس و متخصص احساس می شود. دیگران زمانیکه یک نفر به تنهایی چندین کار مختلف را انجام می داد سپری شده است. حتی اگر هم شخصی قادر باشد کلیات و جزئیات کاری را تماماً انجام دهد، کمی وقت به او اجازه چنین کاری نخواهد داد.

کارها کاملاً بر اساس تقسیم بندی ویژه توسعه یافته و به کارکنان و متخصصین بخشهای مربوطه واگذار شده اند. بدینوسیله راندمان کارها بسیار افزایش پیدا کرده نیازمند کارشناسان مختلف شده ایم و بنابراین در جهان امروز، شما در آن رشته و یا حرفه ای که انتخاب کرده اید باید یک متخصص باتجربه باشید.

البته، باید این را هم بگویم که این تقسیم بندیها، اهمیت و ارزش کارهای متنوع را از بین نمی برد و بدان معنی نخواهد بود که به استثنای رشته و یا حرفه انتخابیتان تمام چیزها را نادیده بگیرید. دنیا مکانی وسیع است و زندگی پر از تنوع و گوناگونی. اگر خود را در دنیای کوچک افکار خود محدود کنید از دنیا پاترافتان بی خبر خواهید ماند. مثل قورباغه ای خواهی بود که خود را درون چاهی محصور کرده باشد.

سعی کنید یک کارشناس، یک متخصص بشوید، البته نه در حدیکه چیزهای دیگر از دیدتان محو گردد. علیرغم تخصصی که دارید، لازم است از کارهای متنوع و وسیعی سر رشته داشته باشید. منظور از اینکه می گویند ما تحصیل کرده و فهمیده ایم این است که ما از درک و حس و تشخیص بالایی برخورداریم، شخصی که در رشته میکرب شناسی تحصیل کرده است لزوماً نیازی نیست که کارشناس روشهای مونتاژ بال هواپیما هم باشد، ولی چنانچه رشته تحصیلی شما میکرب شناسی، داروسازی یا ادبیات باشد، شما نیازمند به یک دانش وسیع در اطلاعات عمومی خواهید بود. دانش وسیعی را که من درباره اش صحبت می کنم این است که به صورتی منظم در وجود شما پرورش یافته و دیدگاه و عمق تخصص شما را افزایش دهد.

امروزه، قدرت و تشخیص انسان مجزا از یکدیگر نیستند، دیگر آن دوره که چنین بوده گذشته است. قدرت وقتی حاصل می شود که شما یک متخصص باشید و شخصیت و مقام وقتی به وجود می آید که شما تنها فردی باشید که بتوانید یک کار مشخص را انجام دهید. استاندارد و محک سنجش امروز تخصص است.

اگر تعجب می کنید که چگونه می شود اینکار را کرد، به شما پندی می دهم که هر کاری را که به دست گرفتید کاملاً خود را در آن غوطه ور کنید. ایده ها، هوش، زکات، آگاهی و درک به کسانی داده شده است که با تمام وجود خود را در حرفه و یا هر کار سازنده غرق کنند. اگر بخواهید برای کسب ایده های جدید مدت زمانی دست از تلاش بردارید و به استراحت بپردازید بسیار راه بیهوده ای را انتخاب کرده اید.

نوشته ها از انتها و نوک قلم متولد می شوند. و شما باید همواره نوشتن و نوشتن را تمرین کنید تا ایده ای را به دست بیاورید. به همین طریق ذهن خلاق و افکار متعالی در رشته های دیگر نیز از غوطه وری و تعمق کامل حاصل می گردد. نابغه شدن ۹۹ درصد به تلاش بستگی دارد. برای اینکه در حرفه خود نابغه بشوید خود را در آن غوطه ور سازید، کوتاه سخن اینکه، درک و آگاهی صحیح کسب کنید و آنها را عمیق و عمیق تر سازید.

اهمیت ابداع و نوآوری

نوآوری یک امر و نیاز زیربنائی زندگی انسان است. آنچنانکه بعضی ها فکر می کنند مشکل نیست. این موضوعی است که همواره و در هر جا که می روم روی آن تأکید دارم، مسأله در نفس خود نوآوری نیست بلکه منظور این است که آیا شما می خواهید که نوآور باشید یا خیر؟

اگر شما به دقت به ابداعات و نوآوری های با ارزش دقت کنید مبنای خیلی از آنها را واقعاً ایده های بسیار ساده تشکیل می دهند. اغلب هم نتایج بسیار ارزنده ای به همراه می آورند نوآوری ها در مدیریت و اداره شرکت ها نقش مهمی ایفا می کند.

نوآوری، ابداعات و اختراعات نقش بزرگی در تاریخ بشریت بازی کرده است. نوآوری و ابداعات با عزم، تصمیم و اراده یک شخص خلاق شروع می شود که سعی می کند با درهم شکستن ایده های معمولی و موجود در این عصر و زمان چیز جدیدی ارائه دهد یا بسازد.

بنابراین من همواره تأکید کرده ام که خلاق بودن برای اشخاص بسیار با اهمیت است زیرا افراد خلاق، مبتکر و سازنده، به تاریخ شکل و به جهان جهت می دهند.

این باور و اعتقاد قلبی من است که جوانان وظیفه دارند در بهبود وضع موجود کوشا باشند و برای انجام چنین کاری خلاقیت لازم است. وقتی شما چیزی را از زاویه جدیدی می بینید نسبت به مسائل آگاه می شوید، این مسائل باید شما را در جهت پیشرفت و سازندگی پیش ببرند چون جوانان کمتر محصور قید و بندها هستند، طبیعتاً در مقایسه با افراد مسن تر برای نوآوری حساس تر و آماده ترند.

نوآوری چیزی نیست که فقط در صنعت و تجارت قابل پیاده کردن باشد. می توان حتی در مورد تحصیلات و در هر مرحله از زندگی از آن بهره گرفت. اگر در مدرسه شما درسی را انتخاب کرده اید که آن را دوست ندارید، به احتمال زیاد مشکل خود آن درس نیست بلکه ایراد در نحوه برخورد شما با آن است، مشکل هر چه می خواهد باشد، باید قبول کرد که همیشه راه حلی هم هست.

شما نمی توانید با توجه به اصول و منطق و با مطالعه و فهمیدن کلمه به کلمه و جمله به جمله یک کتاب کاملاً به موضوع درس مورد نظر اشراف پیدا کنید، همینطور شما با حفظ کردن و تکرار کردن به آن درس تسلط پیدا نخواهید

کرد. فهمیدن و درک کامل یک مطلب با پافشاری و ثابت قدمی شروع می شود یعنی غوطه ور شدن در موضوع و آگاهی از جزئیات و حواشی آن درس. مطالعات و مشاهدات سطحی و زودگذر کاملاً بی فایده است، این روش هرگز شما را به نوآوری هدایت نمی کند. خلاصه، هیچگاه از اهمیت نوآوری و ابداع غافل نشوید.

کسانیکه مرا تحت تأثیر خود قرار داده اند

یکبار «مارتین بوبر» حرف مؤثر و جالبی زد او گفت زندگی واقعی انسان با ملاقاتهای او آغاز می شود. من به خوبی درک می کنم که منظور او از بیان این مطلب چیست. من عقیده راسخ دارم که چگونگی زندگی شما تحت تأثیر کسانی است که شما ملاقات می کنید. بنابراین برای شما جوانانی که در جستجوی مفهوم واقعی زندگی هستید دوستان و معاشران شما اهمیت زیادی دارند.

در دوران جوانی افرادی که با شما نشست و برخاست و معاشرت دارند می توانند تمام آینده اتان را تحت الشعاع قرار دهند. بنابراین برای شما بسیار مهم است که با اشخاص صالحی رفت و آمد کنید، باید افرادی را که مورد احترامتان هستند و در زندگی‌شان راه صحیحی پیموده اند سرمشق خود قرار بدهید. شاید یکی از دلایل اینکه ما عکسهای چنین افرادی را در آلبوم شخصی یا روی دیوار منزل یا مکان کارمان و یا در روی میزمان قرار می دهیم همین مطلب باشد. من فکر می کنم نقش مذهب بسیار پر اهمیت است. بعضی اشخاص به غلط می گویند امروزه جهان به دورانی رسیده است که دیگر نیازی به مذهب نیست. آنها با آب و تاب استدلال می کنند که دیگر تفکر مذهبی کهنه و منطبق با شرایط زمان نیست، اما به عقیده من هر قدر در زندگی انسان تردید وجود داشته باشد و هر اندازه جلوه های ظاهری زندگی متغیر و عوامل ناشناخته بیشتر باشد و هر قدر انسان به پوچی و بی ارزشی دنیای مادی بیشتر پی ببرد در آن صورت برای ادامه حیات بیشتر نیازمند یک رشته اصول عقاید ثابت و مستحکم و لا یتغیر می باشد. تنها مذهب است که چنین اصول با ارزش و استواری را به انسان هدیه می کند، انسانیکه در دنیائی از ناملايمات و معضلات پیچیده و گیج کننده رها شده است. در دوران زندگی وقتی شما جوانان عزیز عمیقاً در مورد مفهوم اساسی زندگی می اندیشید و به دنبال جهت و اهداف آینده خود تکاپو می کنید من فکر می کنم بسیار مهم است که شما با یک مذهب حقه و تعلیمات مذهبی سالم بزرگ شوید، همچنانکه این راه را مادرم در عنفوان طفولیت به من آموخت.

در زندگی چه چیز می تواند مهمتر از این موضوع باشد که همواره مصاحب و معاشر دوستان خوب و شایسته و رفقای واقعی و دلسوز باشید؟ اشخاص با دوستان همفکرانشان محک زده می شوند و نسبت به آنان قضاوت می شوند. این موضوع نشان دهنده اهمیت انتخاب دوستان خوب می باشد، دوست خوب یک نعمت است و دوست بد نکبت، دوستان قدیم همواره بهترین دوستان شما خواهند بود، یک دوست خوب فردی است که شما بتوانید مهمترین رازهای زندگی‌تان را برای او بگوئید و خیلی جای تأسف خواهد بود که شما از داشتن چنین دوستانی محروم باشید، در صحنه زندگی شما کارهای فراوانی در پیش روی دارید که باید برای آنها تلاش کنید. پیدا کردن دوستان شایسته یکی از آنهاست، من دوستان صمیمی فراوانی دارم، ما همواره یاور یکدیگر بوده ایم، من از دبیرستان «کی یونگی» فارغ التحصیل شدم، و وقتی برای اولین بار پس از گرفتن دیپلم خواستم به کار مشغول شوم، تعداد زیادی از همکلاسانم، همچنین دوستان هم مدرسه ای در کلاسهای بالاتر و یا در کلاسهای پائین تر از خودم که از دبیرستان «کی یونگی» بودند کمکهای شایانی به

من کردند و من از این بابت خیلی از آنان ممنون و سپاسگزارم.

کسانی که در سر راه زندگی شما قرا می گیرند می توانند نقش مهمی را در سرنوشت و آینده شما داشته باشند، کسی را که شما در عنوان جوانی به عنوان دوست انتخاب می کنید می تواند مسیر زندگی شما را تغییر بدهد، بنابراین من امروز بسیار نگران این هستم که جوانان کره و جهان، چه کسانی را سرمشق خود قرا داده و چه کسانی را از جان و دل می پذیرند.

در زندگی، افراد فراوانی هستند که شما باید با آنان روبرو شوید، و مسیرهای زیادی را که در آن گام بردارید. من امیدوارم شما آنقدر خوشبخت باشید که اشخاصی را در زندگی خود ملاقات کنید که با ارزش و شایسته باشند که هم بتوان به عقاید و دانش آنها اعتماد کرد هم از تجربیات آنها پیروی نمود. یک روش خوب و شایسته برای قضاوت و تشخیص الگوهای زندگی وجود دارد و آن اینکه نگاه کنید عکس چه کسانی روی میز و یا به در و دیوار اتاق شما نصب شده است؟ و ببینیدشید که آیا راه و رسم این افراد ارزش الگو شدن و نمونه بودن را دارند یا خیر؟

۹ تا ۵ - ۵ تا ۹

امروزه جهان مشحون از چیزهای گرانبهاست. خانه، زمین، اموال، کار و غیره از این جمله اند. اما پر ارزشترین آنها زمان است. زمان همانند تیری که از کمان رها می شود هرگز باز نمی گردد. گذشت زمان باعث تغییر و تحول همه چیز می شود. زمان را نه می توان برای همیشه حفظ کرد و نه دوباره تسخیر نمود. هیچ جنگاوری بالاتر از زمان نیست و تنها اوست که فاتح نهائی است.

« اکنون » لحظه ای بیش نیست که با ادای آن، لحظه اکنون به گذشته تبدیل می شود و می گذرد. گریز و گذشت طبیعت زاینده زمان است و دقیقاً همین حرکت است که زمان را اینگونه گرانبها می کند. شما همیشه می توانید کار جدیدی آغاز و یا ثروت تازه ای کسب کنید. اما هرگز قادر به تسخیر زمان نخواهید بود. یکی از خصائص جوانان این است که به آسانی بهای زمان را از یاد می برند. جوانی زمانی است که شما وقت زیادی در پیش روی خود دارید. بنابراین شاید فکر کنید که اتلاف اندکی از آن خطای چندانی نیست. اما ابدأ چنین نیست من زمان و وقت را با تیر و کمان مقایسه کردم تا بر این نکته که زمان هرگز بازگشتی ندارد، تأکید داشته باشم و در عین حال این مقایسه را به این دلیل به کار بردم تا تأکید کنم زمان همچون یک تیر رها شده با شتاب هر چه تمامتر به پیش می رود. موفقیت و شکست هر فرد تماماً بستگی به نحوه استفاده او از وقت دارد. احتمالاً هر شخص می تواند در کاری به طور نسبی موفقیت‌هایی کسب کند، ولی فردی که با تعمق، از وقت خود استفاده می کند، در چند و چون کار به مراتب موفقتر خواهد بود.

اتلاف وقت حتی از هدر دادن پول هم اسفناک تر است زیرا شما همیشه قادر به تحصیل پول خواهید بود. ولی زمان هرگز باز نمی گردد.

بعضی اوقات می شنوید فردی از وقت زیاد که نمیداند با آن چه کند شکوه می کند. درک این گونه مسائل به خصوص وقتی از سوی جوانان ابراز می شود، بسیار ثقیل و دشوار است .

هرگز یک روز کامل برای انجام کارهای من کافی نیست. بعضی مواقع آرزو می کنم که ساعات روز به جای ۲۴ ساعت به

۳۰ یا ۴۰ ساعت تغییر می کرد. به دلیل اینکه وقت از نظر من بسیار گرانبهاست. پاره ای اوقات در اتومبیل و بین راه اداره دست و صورت خود را با حوله تمیز می کنم، و گهگاه حتی صبحانه ام را در اتومبیل صرف می کنم. به علاوه، بسیار ی از اوقات من در سفرهای خارج سپری می شود. سفرهایم به قدری طولانی و زیاد است که اگر در کتاب « رکوردهای جهانی » بخشی را به سفرها اختصاص می دادند. مطمئناً اسم من در ابتدای لیست قرار می گرفت.

هر گاه امکان داشته باشد از پروازهای شبانه استفاده می کنم تا از اتلاف وقت جلوگیری کنم. من در طول پرواز به مقدار کافی خواب و استراحت می کنم و هنگام فرود هواپیما، کاملاً سر حال و آماده ملاقاتهای کاری خود هستم. بعضی مواقع در طول پرواز مطالعه می کنم و یا گزارش های رسیده از واحدهای مختلف شرکت را بررسی می کنم.

یک شبانه روز برای همه به طور یکسان دارای ۲۴ ساعت است. اما تفاوت در این است که شما چگونه از این ۲۴ ساعت استفاده و بهره می برید. اگر شخصی در عرض یک روز سه برابر دیگران کار و مطالعه داشته باشد. او سه روز جلوتر از دیگران خواهد بود. بدیهی است موضوع مهم، نوع فعالیت، استفاده مطلوب از وقت و تأثیر آن در زندگی است.

عاقلاًنه از وقت خود استفاده کنید. هر لحظه تنها یکبار فرا می رسد و به همین دلیل بسیار ارزشمند است. از همه مهمتر، طی دوران جوانی، وقت بسیار گرانبهاست حتی می توان به صراحت گفت سه تا چهار مرتبه پر ارزش تر از اوقات دوران پیری است. در واقع استفاده شما از وقتتان در جوانی، تعیین کننده خط مشی و استاندارد زندگی آتی شماست.

عمر انسان بسیار ارزشمندتر از آن است که بیهوده تلف شود. شما نه قدرت دارید که لحظات از دست رفته زندگیا بازیابید و نه می توانید عمر دوباره داشته باشید.

من فقط یک زن هستم

قفس پرندگان

کراً « گفته ام که من امروز هر چه دارم و هستم در نتیجه جنگ کره است. من در سنین کودکی به علت بدبختی و دشواریهای حاصل از جنگ کره خیلی زود با سختیهای زندگی آشنا شدم و به دلیل اینکه در نوجوانی یکبارہ مسئول تحصیل معاش خانواده ام بودم خیلی زود متوجه شدم چگونه شهامت و نیروی خود را برای مقابله با ناکامیها، دلهره ها و بلاهای زندگی متمرکز و تقویت کنم.

برای اینکه دقیقاً بدانید که زندگی چندان هم آسان نیست، اجازه دهید، یکی از تعلیمات مقدماتی فرقه بودا را برایتان مثال بزنم. طبق این تعلیمات، اساس زندگی دنیوی رنج و محنت است و دنیا دریایی است مملو از رنج و مصیبت. زندگی نه یک مسیر روان صیقل یافته است و نه بستری است از گلهای سرخ. حتی اگر زندگی بستری پوشیده از گلهای سرخ بود، فراموش نکنید، گلهای سرخ هم پر از تیغهای تیز و برنده اند.

اگر از تیغ گل هراس دارید پس هرگز موفق نخواهید شد. توفیق و کامیابی از آن کسانی است که از مبارزه با تیغهای تیز و برنده وحشتی ندارند. تقریباً کامیابی تمام افراد موفق امروز نتیجه محنت ها و مشقتهای دیروز آنان است نه به لحاظ گام نهادن در بستر گلهای پر طراوت، از این رو بدون کوچکترین تأملی می گویم، جنگ کره مرا بصورت آنچه امروز هستم ساخته است. نکته ای که مایلیم که به آن توجه خاص کنید این است که سختیها خود زاینده موقعیتهای مثبت زندگی می باشد. البته من بهخوبی دلیل این موضوع را نمی دانم. ولی حقیقت امر این است که موقعیتهای مثبت زندگی

همواره از درون رنج و محنتها شکوفا می شوند.

وقتی که زندگی به خوبی پیش می رود، افراد جامعه به طور مطلوب به کار و پیشرفت خود ادامه می دهند. اگر شما در چنین موقعیتی همانند دیگران پیشرفت نکنید، باید دلیل رکود پیشرفتتان را در خود جستجو و کاوش کنید. زمان مناسب برای سعی شما وقتی است که همه دست از کوشش خود برداشته و از تلاش بیشتر مأیوس شده اند. در این موقعیت، موفقیت از آن کسی خواهد بود که با جدیت تلاش کند و در عین حال کاملاً از موقعیتهای مثبت و نهفته در بطن سختیها آگاه باشد. باید بدانید چگونه بحرانهای زندگیتان را به موفقیت‌های مثبت تبدیل نمایید و از آن بهره مند شوید.

بحران امکان دارد در هر جهتی مثبت یا منفی پیش روی کند.

حالاتی که در جوانان امروز زمره بسیار مضطرب می کند، ضعف، راحت طلبی و تا اندازه زیادی عدم استقلال و عدم حس ماجراجویی آنان است. به نظر می رسد شیوه متداول در بین جوانان امروز، تمایل شدید به راحتی و تنبلی است. البته بسیاری از این مسائل مربوط به حمایت بیش از حد والدین شمامست.

در جامعه امروز کره، بین ۱۰ الی ۲۰ درصد کارکنان جدیدالاستخدام موسسات و شرکتها در عرض شش ماه کار خود را رها می کنند چرا؟ به این دلیل که کار در موسسات را سخت و دشوار می بینند. بنابراین برای گریز از این موقعیت با شتاب برای اخذ مدرک دکترا به دانشگاه ها پناه می برند و یا برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر می کنند. این روشی است که من شخصاً مایلیم هر چه زودتر در جامعه ما خاتمه پیدا کند. من پاره ای اوقات در مورد استاندارد این گونه مراکز علمی که آماده پذیرش این چنین افراد هستند فکر می کنم. افرادی که به دلیل عدم قدرت تحمل محیط کار شرکتها به دانشگاهها روی می آورند، در حقیقت به کل سیستم آموزشی توهین کرده اند.

بیرون از اینجا دنیای پهناوری برای کشف و شهود وجود دارد، بنابراین امیدوارم شما افکاری را که برای محبوس و محصور کردن خویش دارید از خود دور کنید. از ناشناخته ها وحشتی نداشته باشید، از شکست نهراسید. چون این وظیفه و حق جوانان است که وضعیت های بحرانی زندگی را تبدیل به موقعیتهای مثبت کنند و با روحیه مبارزه جویانه در مقابل مصائب به پا خیزند.

صحنه نمایش به شرق باز می گردد.

تاریخ جهان انباشته از ظهور و سقوط ملتها و تمدنهاست. تاریخ همواره نشانگر این است که هیچ ملتی علیرغم شکوه و قدرت خود تا ابد پایدار نخواهد ماند.

در خلال این نشیب و فرازهای تاریخی، هر زمان که ملتی چوب مسابقه را به دیگری تحویل می دهد، دنیا دچار تغییر و تحولات نوینی می گردد.

در عصریکه سرزمینهای شرق تدریجاً به میعادگاه اجتماعات بین المللی تبدیل می شود جوانان کره نیز پیشقراولان دنیای آینده خواهند شد.

بنابراین برای اینکه بدانید چگونه در جامعه بین المللی پیشگام شوید، مایلیم چند نکته ای به شما یادآوری کنم. شما باید زبانهای خارجی را یاد بگیرید تا بتوانید با سایر ملل ارتباط برقرار کنید.

در مرحله بعد توانائی در هدایت وسائط نقلیه و کامپیوتر امری اساسی است. در ضمن مهارت‌های دیگری که شما را برای ایفای نقش اول در صحنه جهان مهیا می سازد استعداد، اعتماد به نفس و قدرت شما برای مقابله با هر فرد و موقعیتی است.

اخیراً بسیاری از مردم، پاره ای از پدیده های دنیا را عوارض انحطاط تمدن و فرهنگ‌های بزرگ می نامند. به گواهی تاریخ، این اصل شامل همه تمدنها و فرهنگ‌های دنیا بوده است. در نتیجه این عوارض، خلاقیت جامعه ضعیف شده، اخلاقیات رو به زوال می رود و فلسفه «خوش باشیم» در کل جامعه شیوع پیدا می کند. ما اغلب این پدیده ها را بیماری‌های خاص جوامع پیشرفته می دانیم.

طی چند دهه اخیر، ما تحت لوای تجددگرایی سعی بسیار در پیروی و تقلید از ملت‌های پیشرفته داشته ایم اما اکنون خورشیدی که در مشرق در حال طلوع است نیازی به پیروی از ستاره رو به افول غرب ندارد.

راز سلامتی

به نظر من کار و فعالیت شدید، ورزش بسیار مؤثرتری است. نظر من این است که فرد سخت کوش نیازی به ورزش ندارد. اگر کسی از من سؤال کند که رمز سلامتی شما چیست، جواب می دهم- سخت کوشیدن.

کار خود را با لذت و شادی انجام دهید، در اینصورت واقعاً احساس سرزندگی و نشاط خواهید کرد. عرق ریختن در حین کار بسیار با ارزشتر از عرق کردن در باشگاه‌های ورزشی است. کار و کوشش مز سلامتی و تندرستی من است.

فکر می کنم عامل مؤثر دیگر تندرستیم، تغذیه مناسب و صرف انواع و اقسام غذاهاست. همواره رژیم غذایی متعادلی را حفظ می کنم.

روح سالم بسیار پر اهمیت است. این طرز تفکر که بدن پر عضله مز سلامتی مطلق است، امکان دارد به مرور تبدیل به یک بیماری روحی شود. این افکار ممکن است شما را به مرحله ای برساند که فکر کنید، ایستادگی و مقابله به معنای استفاده از نیروی بدنی است. ولی به نظر من این طرز تفکر خود واقعاً می تواند زندگیتان را به تباهی بکشد. زیرا بدن سالم زمانی ارزشمند است که یک ذهن سالم مکمل آن باشد.

بدیهی است جسم سالم در سلامت روح و روان بسیار مؤثر است زیرا ذهن و عقل سالم کنترل کننده ارزشهای انسان است. بنابراین مایلم اولویت و اهمیت سلامت روان را در مقایسه با سلامت جسم تأکید کنم.

کار به عنوان سرگرمی

من بیش از ۲۰۰ روز از سال را در سفرهای خاج به سر می برم و تعدادی از روزهای سال هم صرف مسافرت های داخلی می شود. به همین سبب اوقات فراغتی را که با خانواده ام می گذرانم بسیار اندک است.

من معتقدم اگر شما با تمام وجود در جهت کار و فعالیت خود تلاش کنید، موفقیتتان تضمین می شود. فردی که با تمام وجود کوشش کند، هرگز شکست نخواهد خورد.

من احساس می کنم جوانان امروز به جای اینکه کار و حرفه را یک هدف اصلی بشناسند آن را تنها وسیله ای برای دستیابی به سایر خواسته های خود می بینند.

افراد اگر به جای اینکه کار و حرفه را عامل موفقیت، کامیابی، رشد شخصیت و بهبود جامعه بدانند، آن را فقط وسیله

کسب مادیات بشناسند، در حقیقت نسبت به آئین کار و حرفه بی حرمتی بزرگی نموده اند. بنابراین شما نباید تحصیل را وظیفه ای اجباری بدانید. اگر چنین است باید طرز فکرتان را تغییر دهید. در وهله اول تحصیل را کاری متعلق به خود و چیزی که مایل به انجام آن هستید بدانید. در اینصورت تحصیل برایتان جذاب شده و سرچشمه لذت و شغف خواهد شد.

تنها چیزیکه برایم لذت آور است کار است و تا به حال نیز هیچکس مرا مجبور به کار نکرده است. بنابراین اگر سرگرمی چیزی است که انسان با انجام آن سرشار از لذت و نشاط می شود، در اینصورت سرگرم من کار است.

درسی از دنیای عنکبوتها

رفاه نسل آینده بستگی به فداکاریهای نسل کنونی دارد. در حقیقت تأمین آسایش و رفاه بدون فداکاری میسر نیست. اگر بخواهیم از نظر فردی این موضوع را بررسی کنیم باید بگویم خوشبختی بچه ها بستگی به فداکاری و از خودگذشتگی والدین آنها دارد. اشکها و رنجهای یک نسل باعث رشد و رفاه نسل دیگر می شود.

بارها مشاهده کرده ام، خانواده های موفق کسانی هستند که والدین آنان به جای اینکه به فکر آسایش خود باشند، برای آسایش و رفاه فرزندان خود فداکاری و از خودگذشتگی کرده اند، هیچ چیز در زندگی انسان رایگان به دست نمی آید و هیچ رویدادی تصادفی نیست هر چه بیشتر حفر کنید، گودال عمیقتری به وجود می آید و هر چه گودال عمیقتر باشد، آب چاه بیشتری خواهید داشت.

نسلهای فداکار چراغ تابناک مسیر تاریخند، پرتوی که از عزم راسخ آنان برای ایجاد ملتی مرفه و خوشبخت و زندگی نوین حکایت می کند.

از آنجا که ما در زمانی زندگی می کنیم که جامعه ما نیازمند سخت کوشی مستمر است، لذا بایستی بار دیگر روحیه فداکاری و جهادگری گذشته را در خود بیدار کنیم. اگر فداکاری ا به مفهوم از خودگذشتگی یک نسل برای رفاه نسل آینده بدانیم، پس لازم است هر نسل برای ایجاد آینده ای مطلوبتر فداکاری کند، چون رضایت یک نسل همیشه منجر به نارضایتی نسل بعدی خواهد شد.

طفلی میوه درختی را که پدر بزرگش کاشه است می چیند، اگر درختی نباشد، هیچ چیز برای چیدن کودک وجود ندارد. از خودگذشتگی حد والای نوع دوستی است.

تجلیات ذهن

اگر مایلید به خواسته های واقعی خود دست پیدا کنید، باید اعتماد به نفس خود را از طریق نیروی اندیشه، تقویت کنید. به عبارت دیگر شما با قدرت فکری می توانید آینده خود را بسازید. احیاناً اگر در برابر دیگران احساس حقارت می کنید علت آن است که افکارتان منفی است و خود را بسیار معمولی می پندارید، تدریجاً این صفات در درون شما تثبیت شده و کانون تمام این خصائل خواهد گردید.

برای موفقیت در هر چیز باید توانائی انجام آن کار را داشته باشیم. اما قابلیت و توانائی به تنهایی کافی نیستند. به موازات توانائی باید اصرار و استقامت و مرکز فکر نیز داشت.

ترکیبی از این سه عنصر را سر سختی می نامید. هیچ چیز غیر ممکن نیست تنها عدم سرسختی شماست که کار را غیر

ممکن می سازد.

دنیا دروازه های خود را در پیش روی کسانی که مثبت عمل می کنند، اعتماد دارند و زندگی را با توانائی و نیرو به مبارزه می طلبند کاملاً گشوده است.

عدم به کارگیری این قابلیتها و توانائیها نه فقط برای شخص زیان آوراست بلکه برای اجتماع نیز یک ضایعه محسوب می شود.

بکوشید تا بهترین باشید

افرادیکه مایلند جزء برترینها باشند باید همواره نهایت سعی خود را برای رسیدن به اهدافشان به کار ببندند. اگر شما حداکثر تلاش خود را به عمل آورید، گرچه احتمال دارد همیشه جزء بهترین ها نباشید ولی به یقین، در یک قدمی بهترینها قرا خواهید گرفت.

جزو بهترین ها باشید و با تمام وجود در جهت هدفتان تلاش کنید. زیرا هر چه بیشتر بکوشید، شانس موفقیت و توفیق تان بیشتر خواهد بود. من معتقدم کسانی که در رشته خود به عالیترین سطح میرسند به این دلیل است که اهداف والائی در پیش رو دارند و بالاتین کوشش خود نیز در راه نیل به اهدافشان به کار بسته اند.

هر کسی می تواند بهترین باشد، تنها کسانی که خود را کاملاً وقف اهدافشان می کنند به سطح عالی می رسند و معجزه ای هم در کار نیست.

جهان از آن ماست

در قدم اول باید آینده نگر باشید. افرادی هستند که افکارشان منعطف به گذشته هاست و همه گفته هاشان را با این کلمات آغاز می کنند. « در گذشته من چنین و چنان . . . » این دسته از افراد توسط گذشته هایشان نابینا شده و فاقد هر گونه تصویری از آینده میباشند.

اسیر گذشته ها بودن و راحتی و آسایش امروز را طلبیدن مانع از دیدن افق های فردا خواهد شد.

برای ساختن جامعه، شما نیاز به ارزشهای آینده ساز دارید این ارزشها شامل فداکاری و سرمایه گذاری امروز برای نل به خوشبختی و مواهب فردا نیز می شود.

همیشه در تخیلات و رؤیای خود بیندیشید که رهبران و قهرمانان فردا خواهید بود، زیرا اگر چنین نکنید در صحنه زندگی به جای بازی نقش اول، تنها سیاهی لشکر خواهید بود.

هر قدر که از کوه بالاتر بروید چشم انداز وسیعتری میبینید، مشاهده دنیای عظیم، بینش شما را وسعت و رشد می دهد، و به شما کمک می کند تا بر خودپسندی و کوتاه نظری غالب شوید.

غرق دوران گذشته و زمان حال نشوید و خود را در مرزهای جغرافیایی کشورتان محبوس نکنید.

نظری به علوم پایه

کره تقریباً فاقد منابع طبیعی است و ملت آن ملتی است کوچک با تراکم جمعیت زیاد. در مقابل ما دارای یک سرمایه بسیار عظیمی هستیم که به ما قدرت بخشیده تا خود را به پایه کشورهای پیشرفته صنعتی برسانیم. این سرمایه نیروی کار ممتاز و تحصیل کرده این کشور است که در عین حال آماده به هر نوع کوشش و فداکاری است.

از برکت نیروی کار، ما توانسته ایم قابلیت‌های تکنولوژی خود را تا بالاترین سطح جهانی رشد دهیم. اما داشتن صنعت تولید به تنهایی کافی نمی باشد. اساس تکنولوژی تولیدی امروز بستگی به خلاقیت و نوآوری دارد. شما بدون علوم پایه نمی توانید انتظار پیشرفت در صنعت و تکنولوژی داشته باشید. اساس کلیه علوم و دانشها در علوم پایه نهفته است. بدون علوم پایه، سایر علوم توسعه و رشد چندانی ندارند. در عصری که اصول اساسی بیش از هر موقع در جامعه نادیده گرفته شده اند، توجه به این اصول بیشتر از هر زمان برای اجتماع ضرورت دارد. اگر نسلی مفاهیم و رهنمودهای صحیح برای پیروی نداشته باشد، جامعه دچار بی ثباتی می شود. بدون حفظ اصول، پایه های جامعه دستخوش لرزش می شود.

پول هیچکاره است

یک فرد دانا به خوبی می داند که چگونه باید از پول و وقتش عاقلانه استفاده کند. بنابراین اجازه دهید یادآور شوم که شما نباید حتی مقدار کمی از پول و یا وقت خود را به هدر دهید. از همان آغاز جوانی برخورد صحیحی نسبت به پول داشته باشید. البته پول به تنهایی نه خوب است و نه بد. نحوه استفاده از آن نقش پول را مشخص می کند. ما باید این طرز فکر را که آدمهای ولخرج واقعاً سخاوتمندند و کسانی که پول را از روی عقل خرج می کنند «ارزان خر» هستند تغییر دهیم. شاید من یک «ارزان خر» باشم که سعی دارد ۲۵ سنت پس انداز کند و یا با فروشندهگان ظرفهای سفالی چانه بزند، ولی برای امور آموزش و رفاه کارکنان، کوچکترین تردیدی در سرمایه گذاریهای چند میلیونی ندارم. رقابت

ما در عصری رقابتهای شدید زندگی می کنیم و کار به جایی رسیده است که زیستن هم خود نوعی رقابت به شمار می رود. اگر در خط اول مسابقه نباشید بازنده اید.

در بازی حیات مهمترین موضوع این است که حریف منصف و درستی باشیم. این حتی از برنده شدن هم مهمتر است. چون باختن در راه درست بهتر از پیروزی در راه نادرست است.

رقابت باید به صورتی انجام شود که زندگی تمام شرکت کنندگان را بهبود بخشد. اگر چنین باشد، حریف حقیقی می تواند حتی از یک دوست و یا معلم سومندتر باشد.

هدف واقعی رقابت یعنی تقویت تواناییها و خلاقیت ها.

مقام رهبری

رهبران جامعه باید درستکار و سالم باشند تا جامعه سالم بماند. هر گز مبالغه نیست اگر بگویم شما می توانید از اعمال و رفتار رهبران یک جامعه، آن جامعه را ارزیابی کنید.

هر کسی قادر به رهبر شدن نیست، اما کافی بودن تعداد رهبران برای هر جامعه قابل اهمیت است. بنابراین، بسیار مهم است که افراد با تواناییها و قابلیت‌های لازم رهبر شوند.

خصوصیات او باید قابلیت‌های گوناگونی داشته باشد، متقاعد کننده اجتماع و قادر به سازماندهی گروههای مختلف باشد. که نکته بسیار مهم که باید به آن توجه کنید این است که رهبری را با دیکتاتوری اشتباه نگیرید. عصر دموکراسی به

مفهوم دوره عدم نیاز به رهبر نیست، بلکه برعکس در این زمان ما نیاز بیشتری به رهبران واقعی داریم که با موافقت عموم برگزیده شده و براساس خواسته هاس مردم عمل کرده ، پیش بروند. خصوصیت مهم دیگری نیز می باشد و آن احساس مسئولیت مطلق نسبت به وظایف و تعهدات اوست.

مردم از روی ترس و هراس نه از روی احترام از دیکتاتورها اطاعت می کنن. ولی مردم از رهبران واقعی هراسی ندارند و از روی قلب به آنان احترام می گذارند.

ما همه کره ای هستیم
بزرگترین آموزگار شما

تجارب زندگی بزرگترین معلم انسان است. از طریق تجربیات، شما به حقایق و رموز زندگی پی خواهید برد و از این طریق شخصیت شما به مرور رشد خواهد کرد. زیرا تجربه مؤثرترین و سریعترین روش یادگیری انسان از جامعه است. در تمام مراحل زندگی یک نکته را از یاد نبرید. عمق دوستیهای واقعی را فدای تعداد دوستیها نکنید. صدها دوستی بدون یک دوست واقعی بی فایده است. آشنایان احتمال دارد در موقع نیاز به انسان پشت کنند ولی یک وست واقعی هیچگاه زمانی که به او احتیاج داری شما را ترک نمی کند . همواره کتابی به همراه داشته باشید زیرا کتاب به معنای تجارب غیر مستقیم زندگی است. به لحاظ این که طول عمر عادی یک انسان برای کسب کلیه تجارب مستقیم کفاف نمی کند، بنابراین ما می توانیم به طور وسیع از تجارب دیگران یعنی کتاب بهره مند شویم.

مددکار هم باشیم

هیچ فردی نیست که به طریقی محتاج به کمک و یاری دیگران نباشد. هیچ شخصی هم نیست که آنقدر فرومایه باشد که از کمک به دیگران دریغ کند. ما همگی وابسته و نیازمند کمک یکدیگریم.

اینها همه جلوه هائی از اهمیت روابط انسانی است.

احتمالاً پاداش همیشه مستقیماً به شخص نیکوکار نمی رسد. ولی به هر حال، شخص در جائی از این کار خیر، فایده می برد. این اصل زندگی و کمک به خود و دیگران می باشد. اگر در روابط انسانی تنها منافع خود را در نظر دارید موقعیت پر مخاطره ای برای خود ایجاد می کنید.

شما باید بر اساس اصول منافع مشترک عمل کنید.

یکی از موضوعات اساسی در روابط انسانی، اعتماد است البته اعتماد چیزی است که به مرور زمان به دست می آید. و شما باید برای کسب آن صبر و حوصله فراوان به خرج دهید.

پول درآوردن و خرج کردن

به هر کجا که قدم می گذارم فوراً متوجه نکات مثبت و قابلیت محل می شوم یکبار به شوخی گفتم که سنگفرش هر خیابان از طلاست و من فقط آن را پارو می کنم.

همان طور که عده ای مستعد پول درآوردن هستند، عده ای هم استعداد خرج کردن مناسب آن را دارند. بنابراین شما باید به این افراد متخصص اجازه دهید تا به طور صحیح پولتان را به جریان بیندازند . در اینصورت کارها به طور مطلوب پیش خواهد رفت.

مقابله به مثل

به دلیل وابستگی انسانها به یکدیگر، ما باید با دیگران زندگی کنیم. بنابراین همه ما در جستجوی مفهوم وابستگی هستیم تا براساس این مفاهیم بتوانیم روش زندگی را پیدا کنیم. مفهوم واقعی زندگی را می توان در نوع دوستی جستجو کرد، نه در خودپسندی و خودبینی.

مهم نیست چه نوع کاری انجام می دهید، شما نباید در دام خودخواهی گرفتار شوید. باید از حرص و طمع فردی گامی فراتر نهاد و به منافع و مصالح اجتماعی بیندیشید. تنها در قید کسب منفعت بودن، منجر به سودهای کوتاه مدت می شود، ولی در دراز مدت به نفع شما نخواهد بود.

من در معاملات به این اصل معتقدم که طرف معاملات ما باید به اندازه ما از این پروژه های مشترک نفع ببرند. اصل احترام مشترک و عمل متقابل نه فقط در روابط تجاری بلکه در مناسبات انسانی نیز بسیار اساسی و قابل اهمیت است. اگر افراد به یکدیگر اعتماد نداشته باشند، چگونه می توان انتظار داشت با هم کنار بیایند. سوء ظن در دوستیها شکاف می اندازد. بدگمانی بین مدیریت و کارکنان سبب فروپاشی شرکت می شود. در زمانی که مردم و دولت از یکدیگر سلب اعتماد می کنند. ملت دچار آشفتگی می شود بنابراین به خاطر منافع خود و جامعه باید به یکدیگر اعتماد کنیم. نمی توانید از دیگران انتظار داشته باشید که یکطرفه به شما اعتماد کنند.

جهان پهناوری پیش روی ماست

شروع کردن کاری و سپس آن را به دست فراموشی سپردن برای من هیچ ارزشی ندارد. لذا به جوانانی علاقه مندم که نه تنها کاری را شروع می کنند، بلکه با تمام وجود در آن کار غوطه ور می شوند. به دلیل همین ارتباط و پشتکار شدید احتمال عدم موفقیت و ناکامی این دسته از افراد نسبت به کسانی که اصلاً کاری را انجام نمی دهند طبعاً بیشتر است. ولی این افراد با شکستهای احتمالی خیلی عادی روبرو شده و آن را جزء تجربیات خود به حساب می آورند و مهمتر آنکه هیچگاه مأیوس نمی شوند.

کسی که از شکست و مبارزه وحشت دارد هیچگاه طعم موفقیت را نمی چشد. شما بایستی در جستجوی فضاهای نوینی باشید که قبلاً هیچکس به آن قدم نگذاشته و کاری را انجام دهید که کسی تا به حال انجام نداده است. اینان پیشتازان حقیقی اند.

تاریخ ثابت کرده بنای قدرت و پیشرفت ملتها بر اساس جرأت و روحیه پیشتازی آنان بوده و تن آسائی و گریز از مسئولیتها باعث سقوط آنهاست. در گذشته حکومت وقت آمریکا برای گسترش و توسعه منطقه غرب آمریکا مقداری از اراضی این ناحیه را به افرادی که مایل به مهاجرت به این مناطق بودند واگذار نمود. این امر تأثیر بسزایی در تحکیم و تشویق روحیه پیشتازان داشت. هیچ کس نمی تواند نفوذ مؤثر این جرأت و روحیه را در سازندگی ایالات متحده ای که امروز می بینیم انکار کند.

و اما اسپانیا؟ اسپانیایی ها از شخص خیال پردازی مانند « کلمبوس » حمایت کردند و او در نتیجه موفق به کشف دنیای جدیدی شد. مسلماً همه روشها و سیاستهای اعمال شده بی نقص نبوده اند و احتمالاً تعقیب این سیاستها منجر به بسیاری بی عدالتیها نیز شده است. ولی ما مسلماً می توانیم اصول پشرفت و ترقی را از همین تجربیات بیاموزیم.

آری جهان پهناوری پیش روی شماست، گرچه برای کسی که می خواهد تنها در مسیرهای شناخته شده گام برداشته و تنها کارهای امتحان شده را انجام دهد، دنیا برای این افراد به تنگی همان مسیرهای شناخته شده و کار آنان به حقارت کارهایی است که به آن عادت دارند.

ولی پیشتازانی که می خواهند در مسیرهای تازه گام بردارند با روح پیشرو و مبارزه جوئی که دارند کارهای جدید را می آزمایند.

شما تا جوان هستید، یک پیشتاز باشید. پیشتازی تنها طریقه واقعی ادامه زندگی است. دنیا به قدری کوچک شده که آن را « روستای جهان » می نامند. ولی هنوز در این دنیا فضاهای بسیاری برای کاوش و بازیابی وجود دارد. سیاره زمین گرچه مملو از آدمهای مشغول به کار است ولی هنوز کارهای بسیاریست که نتکنون هیچکس آن را انجام نداده است. به کائنات فکر کنید و طرحهای باشکوهی در سر داشته باشید از شکست هم نهراسید. همواره پیشتازان تنهایند. خود پیشگام آینده تان باشید واقعیت زندگی همین است.

خوشبختی

در حقیقت ساختار دنیا طوری است که تنها کسانی که در کسب علم و دانش سخت کوشند در آن جایی دارند. در دوران جوانی شما بایستی با اشتیاق و پشتکار فراوان آینده ای روشن برای خود مهیا سازید. زیرا طرز زندگی شما در دوران جوانی باعث صعود و یا سقوط شما در آینده خواهد بود.

علم آموختگان مسئولند که به دیگران فرصت یادگیری دهند. این بخشش بایستی محدود به علم و دانش باشد. بلکه ما باید همه چیزمان را با هموعان خود تقسیم کنیم. ما بایستی دیگران را در ثروت و در دانش خود سهیم سازیم زیرا خودپرستی چه از نظر روانی و چه از نظر مالی به طور یکسان برای انسان زیانبخش است. زیستن برای دیگران بسیار حائز اهمیت است. چون به محض اینکه برای سایرین زندگی کنید، دنیا به کانونی پر حرارت، نورانی تر و شادمانه تر تبدیل شده و زندگی در اینصورت با ارزش تر می شود.

آدم ثروتمندی که دارای همه چیز است ولی نمی داند چگونه بخشنده باشد در حقیقت ثروتمند واقعی نیست دولتمندان حقیقی کسانی هستند که بخشش فراوان دارند.

خوشبختی حقیقی چیست؟

ما مردم دنیا همگی یک خواسته مشترک داریم. یعنی همه خواهان خوشبختی هستیم. اما نمی دانیم چگونه خوشبختی را به دست آوریم.

به محض اینکه برای دیگران زندگی کنید و به دیگران مهر ورزید خوشبختی به شما روی می آورد.

بنابراین، تا حد امکان، کسب دانش کنید و سخت کوش باشید و دیگران را در دانش و تجربیات خود سهیم کنید. تا فردا بتوانید توشه های علم و دانش خود را با دیگران تقسیم کنید.

شهرت و آبرو

در زندگی انسان از شهائی وجود دارد که هرگز نباید آنها را از دست داد. ارزنده ترین این از شهها اعتبار و آبروی انسان است. از بین رفتن زندگی اگر به منزله مرگ است، از دست دادن اعتبار و آبرویتان نیز به منزله پایان زندگی شما در جامعه

است.

هر انسانی در جامه دارای اسم و رسمی است. اعتبار شخص جدا از او نیست، بلکه قسمتی از موجودیت او را تشکیل می دهد. چنانچه اسم شخصی به زبان آورده شود. شما فوراً راجع به او فکر می کنید و چهره، صدا، شخصیت، پایگاه اجتماعی، سوابق و شاید نکات ضعف و قوت او را به خاطر می آورید. بنابراین اسم شخص در واقع یعنی خود شخص. در نتیجه شما باید منتهای سعی خود را در حفظ نام خود به کار برید و نگذارید نامتان مایه خجالت و شمساری شود. ابلهانه ترین عمل، این است که به دست خود اسمتان را لکه دار کنید. اگر روزی نام نیک خود را از دست بدهد، بازیافتن آن بسیار دشوار است.

بنابراین برای محافظت از حیثیت و آبرویتان چکار می کنید؟ آیا رفتارتان منطبق با نام شماست؟ اگر دانشجو هستید از شما انتظار می رود مانند یک دانشجو رفتار کنید. پزشکان، والدین، روحانیون و موسسین تشکیلات صنعتی در صورتیکه رفتارشان با انتظاراتی که از آنان مغایرت داشته باشد، همگی آبرو و حیثیت خود را در جامعه از دست می دهند. روزی که این ویژگیها را از دست دهید، خود را در مقابل سرزنش اغیار قرار خواهید داد. اثرات تبعی اعطای جایزه

با اینکه جوایز فی نفسه جنبه تشویقی دارند ولی در عمل محظوراتی نیز برای گیرنده جایزه ایجاد میکند. پس از دریافت جایزه برای اینکه ثابت کنید قابلیت دریافت آن را داشته اید صرفنظر از خود جایزه و اعتبار حاصله، چاره ای جز اینکه با جدیت بیشتری کار کنید ندارید.

شما می توانید با اعطای جوایز، مسیر کلی زندگی شخصی را تغییر دهید. بنابراین اگر به هیچ رشته ای جایزه نمی دهیم، حداقل به منظور پیشبرد آموزش و پرورش برای این قشر از جامعه جوایزی قائل شویم.

افتخار و شهرتی که ارج نهادن جامعه نصیب شخص می کند، او را وادار می کند برای زندگی والاتری کوشش نماید. هر چیز به جای خویش نیکوست

در دنیا هر کس و هر چیزی جای خاص خود را دارد. نظم و ترتیب و آرامش زمانی در جامعه برقرار است که هر چیز و هر کس در جای واقعی خود قرار گیرد. فقط فکر کنید اگر چشمهایتان جای بینی تان و گوشه‌هایتان جای دهانتان و دهانتان جای چشمهایتان بود چه می شد.

در جامعه اشکال از زمانی شروع می شود که شما کار اصلی و حقیقی خودتان را انجام ندهید،

پیام سال نو ۱۹۸۸ « دیوو » : « در سال جدید بگذارید همگی در جایگاه واقعیمان قرار گیریم. »

معلوم است وقتی کور، کور را هدایت کند، نهایتاً هر دو در چاله خواهند افتاد. بنابراین باید ببینید که آیا کار واقعی و اصلی خودتان را انجام می دهید یا خیر. چنانچه کار اصلی خود را انجام نمی دهید، یک ضایعه برای جامعه تان محسوب می شوید، زیرا هیچکس نمی تواند در جامعه کار واقعی شما را به جای شما انجام دهد و چنانچه به جایگاه اصلی خود در جامعه بازگردید، هیچکس نمی تواند جانشینی برایتان انتخاب کند، زیرا همه افراد اجتماع در جای اصلی خود قرار دارند. جایگاه اصلی و واقعی در انتظار شماست.

منافع مادی در مقابل لذات معنوی انجام کار

در جامعه امروزی، معیار وضعیت زندگی افراد منحصرأ میزان ثروت آنان است. واقعاً باعث نومییدی است که سنجش زندگی خوب جامعه بر اساس زندگی مادی باشد.

پاره ای از موسسین تشکیلات صنعتی، هدف فعالیتشان تنها کسب درآمد و مال اندوزی است و این حتی تنها انگیزه زندگیشان است. در نتیجه همیشه عصبی و آشفته و نگران دارائیشان هستند. از طرف دیگر سرمایه گذارانی هم هستند که فقط برای کسب موفقیت و لذت بردن از این توفیقه‌های زندگی تلاش می کنند البته هیچکس نمی تواند انکار کند که هدف همه در فعالیت های تجاری پول درآوردن است. اما موجودیت یک موسسه نباید تنها برای کسب منافع بدون توجه به معنویات آن باشد.

ثروتمند واقعی کسی است که می داند چگونه از ثروت کم برای منفعت خود و دیگران استفاده کند. به عبارت دیگر فقر و ثروت هر شخص بستگی به نحوه استفاده او از دارائیش دارد.

مسیحیت سخن از نظارت بر دارایی می کند. یعنی کلیه دارائی و مالتان در این دنیا متعلق به شما نیست، بلکه در امانت شماست و شما فقط بر این دارائیه‌ها نظارت دارید. این تفسیر، مسئولیت حفاظت و استفاده مطلوب از دارائی را نیز به همراه دارد.

داشتن مال و ثروت به هیچ وجه قابل مقایسه با لذتی که از تشکیل و اداره موفق یک موسسه تجاری و صنعتی به انسان دست می دهد نیست.

اگر ثروتمندترین شخص هم باشید باز هم نمی توانید مالک همه چیز باشید. زیرا مالکیت و دارائی محدود است فقط پیروزی انسانهاست که جاویدان باقی می ماند.

اقلیت اخلاق

امروزه بعضی مواقع از آمریکا به عنوان غول واژگون شده یاد می شود. در آنجا اصول اخلاقی رو به زوال است و مدتهاست که سنن فرقه پیوریتانها مبنی بر سخت کوشی و تلاش زیاد در انزوا و فراموشی به سر می برد. ما نباید فریب اعداد و ارقام را بخوریم، زیرا اعداد و ارقام تنها گویای کمیت هاست. برای مثال اگر ۱۰۰ خوک و یک انسان داشته باشیم، ارقام نشانگر ۱۰۰ در برابر عدد ۱ است. بنابراین ارقام می توانند فریبنده باشند و به هیچ وجه بازگوکننده واقعیت قدرت اقلیت نیستند.

«توین بی»، کسانی را که به پیشرفت تمدن فرهنگ جامعه شان کمک می کنند، اقلیت خلاق می نامد که بسیار معدودند. اما تأثیر این اقلیتها به نسبت تعدادشان نیست، بلکه قدرت ابداع و خلاقیت آنها تعیین کننده میزان نفوذشان در جامعه است. اگر رهبران جامعه به تمتع از لذایذ و تن آسائی وی آوند، روح مبارزه از میان رفته و جامعه رو به ویرانی و زوال خواهد رفت.

مسئولیت پیشرفت فرهنگ و تمدن جامعه و یا سوق دادن آن در جهت زوال و ویرانی به عهده اقلیت خلاق است. شما باید افراد خلاقی بشوید. افرادی که بای پیشرفت، ترقی و خوشبختی جامعه و بشریت تلاش می کنند. شما حتماً می پرسید چگونه می توان عضو اقلیت خلاق شد. خوب اول از همه بگویم چه چیزهائی نبایست باشید: فرصت طلب، تماشاچی و شکست گرا نباشید.

چیزی که نیاز دارید، بینشی وسیع از کارهای سازنده برای ملت و مردمتان و کمکهای ازنده برای پیشرفت فرهنگ و تمدن بشریت است.

در گذشته های بسیار بسیار دور، قوم یهود از مصر مهاجرت کرد و به مدت ۴۰ سال در جستجوی سرزمین موعود بود. این قوم به طرف سرزمین کنعان حرکت کردند. سرزمینی که خدا به آن برکت عطا فرموده یعنی همان سرزمین موعود. اما این سرزمین توسط قوم کنعان اشغال شده بود، بنابراین قوم یهود هیئتی مرکب از ۱۲ نفر به آن سرزمین راهی کرد، تا وضعیت کلی کنعانیها را بررسی کنند. در بازگشت ده نفر از این هیئت با نومییدی سر تکان داده گفتند تصرف این سرزمین غیر ممکن است. اهالی کنعان از لحاظ قد و قواره بلندتر از قوم یهود بوده و به علاوه دارای استحکامات نظامی بیشمارند. این ده نفر کوچکترین امیدی به پیروزی یهودیان در نبرد نداشتند.

اما دو نفر از هیئت مزبور مخالف این عقاید بودند. آنها می گفتند یهودیان نبایست از چیزی بهراسند، زیرا کنعان سرزمینی است که خداوند آن را وعده داده است. این دو نفر در اقلیت کامل بودند. دو نفر در برابر ده نفر. چنانچه تصمیم حمله بر اساس نظر اکثریت گرفته شده بود، یهودیان هیچگاه به مبارزه با کنعانی ها بر نمی خاستند. اما غیر اساس و بحث و دلایل دو نفر اقلیت یهودیان تصمیم گرفتند نقشه حمله را اجرا کنند و نهایتاً هم موفق به اشغال این سرزمین شدند. این موضوع نشان می دهد که اکثریت به تنهایی تعیین کننده تاریخ دنیا نمی باشد.

اقلیت خلاق مَثبتند. آنان کسانی هستند که در میان تردید و نومیدیها جرقه امید و خوش بینی را روشن نگه می دارند. اقلیت خلاق به پیشرفت فرهنگ معتقد بوده و تحرک افزونتری به چرخ های تاریخ و توسعه و ترقی جامعه بشر می دهند. زبان تن آسائی

افرادی که از شکست بیمناکند و از وضع کنونی خود رضایت دارند در هر سنی که باشند جوانی را از دست داده اند. اما کسانی که از روحیه مبارزه طلبانه و ماجراجویانه سرشارند و در جستجوی فردای بهتر هستندو بی توجه به سنشان جوانان واقعی هستند.

نسل جوان خالق دنیای فرداست. او با روح مبارزه جویانه فرداها را شکل می دهد. جوانان چون گذشته ای ندارند، همواره به آینده فکر می کنند و نگاهشان به افقهای دور دست و روشن است. چون چیزی ندارند که از دست بدهند، دچار تشویش و اضطراب هم نمی شوند، خطری نمی شناسند و سرشار از حیات و زنده دلی هستند.

شما به مهاجرین اولیه آمریکا فکر کنید. آنهایی که بدون در نظر گرفتن شرایط رهسپار غرب آمریکا شدند. تصور کنید وقتی این مهاجرین به سوی سرزمینهای چینین پرخطر، دور افتاده و ناآشنا پیش می رفتند چه افکاری در سر داشتند. آنها جوان بودند و وجودشان سرشار از روح مبارزه و ماجراجوئی بود و هیچکس هم جلودارشان نبود. این آمریکای جوانان دیروز با آمریکای مملو از لت جوئی و میانسالی امروز تفاوت بسیار دارد.

شاید تعدادی از شما هدفتان این است که یکی از بهترین دانشجویان کلاستان شوید. بنابراین با جدیت هر چه تمامتر درس می خوانید تا به این هدف برسید. بعد از کسب این موفقیت نباید از روی رضایت در گوشه ای بنشینید، بلکه باید اهداف دیگری در پیش داشته باشید. مثلاً این بار هدفتان این باشد که عالیترین دانشجوی کلاستان شوید. و پس از کسب مقام عالیترین دانشجو نباید با زهم احساس رضایت و غرور کنید شما بار دگر بایستی اهداف والاتر دیگری پیش

روی خود قرار دهید، مثلاً کسب بالاترین امتیاز در هر درس.

بهترین دانشجو شدن کار آسانی نیست، بنابراین باید با منتهای کوشش و تلاش به این اهداف برسید. اما باقی ماندن در سمت بهترین دانشجو حتی از بهترین دانشجو شدن هم دشوارتر است. زیرا در این موقعیت به آسانی ممکن است در چنگال رضایت از خود و تن آسائی گرفتار شوید و قبل از اینکه خودتان هم متوجه شوید، نه فقط دیگر بهترین دانشجو نیستید بلکه سایرین به شما رسیده و سبقت هم گرفته اند.

تن آسائی در جوانی متضمن شکستهاست، حفظ حد متوسط و کافی وسوسه هائی است که باید از آنها بپرهیزید و باید افکارتان را طوری تنظیم کنید که انگار هنوز به هدف اصلی خود دست نیافته اید و به عنوان یک جوان آماده اید اشتیاق و شور و شوق خود را نثار هر فعالیتی کنید آینده از آن شما جوانان است آینده ما هم در دست شماست.

کشاورزان و کارگران مزرعه شما که در شهر بزرگ شده اید، احتمالاً در این باره چیز چندانی نمی دانید، اما در شالیزارها علفهای هرزه ای هستند که در کنار ساقه های برنج می رویند. بنابراین برای اینکه ساقه های برنج خوب و محکم رشد کنند باید شالیزارها را وجین کرد.

معمولاً، کشاورز از کارگر مزرعه می خواهد که شلیزارها را وجین کند و کارگر به مزرعه رفته و تمام روز مشغول اینکار است. اما اگر کشاورز روز بعد سری به مزرعه بزند، باز هم علفهای هرزه را می بیند. کشاورز می تواند بارها و بارها کارگر مزرعه را برای وجین کردن به مزرعه بفرستد. ولی تا زمانیکه کشاورز خود برای درآوردن علفهای هرزه نرود، همیشه مقداری علف هرزه در شالیزارها باقی خواهد ماند. چرا؟ دلیلش این است که کشاورز به عنوان مالک، علاقه وافری به زمین خود دارد. اما کارگر مزرعه چنین احساسی ندارد زیرا زمین متعلق به او نیست. چون کشاورز مالک است، فعالانه دنبال انجام کارهائی است که باعث بهبودی مزرعه اش می شود.

اگر نگرشی به انحطاط اقتصاد سوسیالیستی امروز داشته باشیم، می بینیم که ارتباط زیادی با طرز تفکر مذکور دارد، تقریباً همگی احساس می کنند کارگر مزرعه اند.

شما بایستی همواره با فکر اینکه مالک هستید کار کنید و ادامه زندگی دهید.

هیچکس نمی تواند به جای شما زندگی کند. کارفرما و مالک خود باشید و به همین نحو هم ادامه زندگی دهید. با اعتماد به نفس کسب علم کرده و زندگی کنید. امید و آرمانها متعلق به کسانی است که نسبت به کار خود احساس مالکیت دارند.

چه کسی نبوغ خفته را بیدار خواهد کرد

ما انسانها دارای توانائیهای خارق العاده ای هستیم. اما از آنجا که چنین قدرتهائی در نهاد ما به صورت نهفته اند ما هیچگاه از عمق و قدرت توانائیهای واقعیمان آگاه نیستیم.

طبق بررسیهای منتشر شده، هر انسان تنها ۱۵ درصد از استعدادهای نهانی خود را استفاده می کند. بنابراین چنانچه ما از ۲۰ درصد استعدادهایمان را به کار گیریم، همگی نابغه خواهیم شد.

اگر زمانیکه دیگران به پیش می روند، شما فقط درصد ابقای موقعیت کنونی خود باشید، در واقع در جهت معکوس و پس

روی گام برمی دارید. شما بایستی مداوم بر رشد و پیشرفت خود نظارت داشته باشید و با تمام قوا سعی کنید فردی باهوشتر و زرنگتر شوید. باید نسبت به دیگران بخشنده و نسبت به خود سختگیر باشید. احتیاط کنید که در دام عذر و بهانه و توجیه تراشی گرفتار نشوید. شما بدون غالب شدن بر خود نمی توانید فاتح دگران باشید. اگر خود را یک آدم بیکاره و ضعیف بپندارید، دیگران هم به همین نحو در مورد شما قضاوت خواهند کرد.

جوانان امروزه فقط برای امروز زندگی می کنند. اگر خیلی در قید و بند زندگی امروزتان باشید، فرصت و نیروئی برای رشد استعدادهای نهانی و آینده سازیتان نخواهید داشت. طرز تفکر « فعلاً وارد معرکه شویم بعداً هر چه شد شد. » باعث تباهی جوانان می شود.

نسبت به خود سختگیر باشید، هیچگاه تصور نکنید به هدف نهائی خود نائل آمده اید و از کارهایتان کمال رضایت نداشته باشید. زندگی را با قدرت هر چه تمامتر به پیش ببرید. اگر تحرکی نداشته باشید از کار افتاده می شوید. عدم پیشرفت مساویست با عقب ماندگی.

نوکیسه ها در دسرنند

به دست آوردن پول مهم است ولی استفاده از آن نیز به همان نسبت قابل اهمیت است. فردیکه با سختی و مشقت پول به دست می آورد ارزش آن را کاملاً میدانند و هیچگاه با بلاهت از آن استفاده نمی کند. وقتی فردی برای به دست آوردن پول متحمل سختی و رنج می شود، پولش را بیهوده به هدر نمی دهد. چون در این صورت در واقع به تمام تلاش و زحمات خود توهین نموده است. از سوی دیگر پولی که آسان به دست آمده آسان هم از دست می رود. هیچکس از خرج کردن پول بدون زحمت احساس ندامت نمی کند.

ملت مصرف کننده ای که بیش از درآمدش خرج می کند ملتی است که به استقبال مشکلات می رود. خطر آن روند فقط از جهت هدر دادن پول نیست، در وجدان عمومی جامعه نیز تأثیرگذار است. چون کلاً مردم هرچه سخت کوشی کمتری از خود نشان دهند، بیشتر در پی هیجان و لذت لحظه ای زندگی هستند. بگذارید آداب سخت کوشی را رواج دهیم.

بگذارید رفتارهای شایسته را احیاء کنیم. بگذارید فراوانیهای امروز را برای فرداهای پر نعمت ذخیره کنیم و خواسته های خودپسندانه خود را مهار کنیم تا بتوانیم جامعه با ثبات و مرفه تری را برای نسل آینده به میراث بگذاریم. بگذارید سخت کوش و مقتصد باشیم.

از درون خود بجوشید

زندگیتان را برای تظاهر به هدر ندهید. جوانی دورانی است که شما باید خود را وقف رشد درون کنید. راه و رسم زندگی از ظاهر انسان منشاء نمی گیرد، بلکه چیزهائی است که در درون سرچشمه دارند، پوچ و بیهوده اند اما شیوه هائی که از درون انسانها الهام می گیرند از جمند و با ارزشند و تا ابد با انسان باقی می مانند.

جوانی دوران مهم و در عین حال بسیار کوتاهی از زندگی شما را تشکیل می دهد. لذا این فرصت گرانبها را با اسیر شدن و در دام افتادن مدهای روز و ظواهر زندگی به هدر ندهید، زیرا مد و ظواهر همگی زودگذرند و فقط درون و باطن انسان فناپذیر است. در جوانی وقت و نیرویتان را صرف رشد شخصیت درونی خود کنید.

اگر لگن بچه حتی خیلی درخشان و خیره کننده درست شده باشد، باز هم بیشتر از یک نوع مصرف ندارد. در عین حال

گلدانهای بدترکیب می توانند نگاهدارنده گلهای زیبایی باشند. شما باید با اعمالتان صحبت کنید. گفتار و کردارتان باید هماهنگ باشند. کلمات مانند نهر آبی از دهان شما روان می شوند ولی اگر کردار صادقانه در پی نداشته باشد، هیچکس تخت تأثیر آن قرار نمی گیرد.

« به عمل کار برآید به سخندانی نیست »

گفتگو و مذاکره قویترین روش برای متقاعد کردن دیگران نیست، گرچه صحبت کردن مهم است و شما باید بتوانید خیلی خوب و صادقانه صحبت کنید و دیگران را تحت تأثیر افکارتان قرار دهید. اما در واقع اعمال شما است که انسانها را تحت تأثیر و نفوذ واقعی قرار می دهد. پاره ای اوقات ممکن است صحبتها به نتیجه مطلوب نرسند، اما به عمل درآوردن کلمات و ایده ها هرگز شکست نمی خورد.

جوانی خیلی زودگذر است. آن را از روی نادانی و به خاطر ظواهر از دست ندهید. در زمان پیری برای هر دقیقه ای که در جوانی به هدر داده اید ساعتها افسوس و تأسف خواهید خورد.

کلام آخر

به استعدادهای نهانی خود واقعیت بخشید

جوانی مرحله عبور از مرز طفولیت به بلوغ و یا توقفگاه بین راه نیست و این گزاف نیست اگر بگویم این مرحله از زندگی تعیین کننده چگونگی و جهت آینده تان خواهد بود.

امکانات زندگی دارای بار منفی و مثبت می باشد؛ امید و یأس. به لحاظ انعطاف پذیری شما جوانان، طرز زندگتان در این مرحله مشخص کننده سیر آینده تان خواهد بود.

تفکرات و اهداف

همانطوری که قبلاً اشاره شد، تاریخ متعلق به افراد صاحب هدف است. تنها ملتھائی که سعی دارند به تفکرات و اهداف خود واقعیت بخشند قادرند پیشقراولان تاریخ باشند.

با خلاقیت بیندیشید

سیر تاریخ و تمدن جهان همواره توسط متفکرین و افراد خلاق ترسیم می شود. جامعه ای که به خلاقیت و قدرت تولید خود بها می دهد. هرگز شکست نمی خورد. شما قادر به اندیشه ها مثبت هستید، بنابراین هر کاری را با افکار مثبت آغاز کنید در این صورت هادی و راهنمای طریق خواهید بود.

مبارزه

افراد مبارز در هر کاری موفق خواهند شد. و شما به این دلیل جوانید سرشار از اعتماد به نفسید و همین اعتماد به نفس باعث شجاعت و جرأت شما می شود. جوانان همواره در جستجوی ماجراجوئی هستند و بیمی از شکست ندارند. شخصی که هر کاری را با بیم و هراس شروع می کند خیلی پیش از اینها جوانی و نشاط خود را از دست داده است.

جوانان جائی برای قبول خفت عباراتی از قبیل پستی، ضعف، تنبلی، شکست، ناامیدی، یأس، تسلیم و غیره ندارند.

بنابراین مبارزه کنید و با شجاعت مبارزه کنید. هراسی از شکست نداشته باشید و زندگی را با تمام وجود به سوی خود فراخوانید.

فداکاری

تاریخ دنیا با فداکاری انسانها بارور می گردد. نسل حاضر برای کامیابی و توفیق نسل آینده موظف به فداکاری است.

نوع دوست باشید

افراد برای زیستن و زندگی مشترک خلق شده اند. هیچکس نمی تواند تنها در انزوا زندگی کند. خودبینی صفت پسندیده ای نیست، بنابراین شما هرگز نباید خود را آلوده تعصبات، خودبینی و طمع بکنید. به جای پرداختن به خود در فکر دیگران باشید. همواره منافع جامعه و مردم را مقدم بر منافع شخصی قرار دهید. خودپسند هرگز نه جوان است و نه جوانمرد.

با خود صادق باشید

همواره سعی کنید در موقعیتهائی که ابدأ مورد علاقه تان نیست قرار نگیرید. در جوانی به دنبال خواسته های واقعی خود بروید این بالاترین حسن نیتی است که می توانید در حق خود اعمال کنید.

متواضع باشید

رشد و پیشرفت ذهنی و شخصی هر انسان از آموزش و آموخته ها منشأ می گیرد. لحظه ای که فکر می کنید واقعاً فرد مهم و با اهمیتی هستید رشد روح و روانتان متوقف می شود. شخصیت و روح شما با فروتنی و کوشش برای یادگیری امکان رشد و پیشرفت خواهد داشت.